

اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلوات علیه و آبائه فی هذه ساعه و فی کل الساعه

ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا وعینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

یا لطیف

باز هم افتخار نصیب من شد که در این مکان بسیار نورانی و در میان شما نورانیان و یک بحث نورانی- پس شد نورٌ علی نور- در خدمتتون باشم. قبل از شروع بحث رجعت که بحث بسیار مهم و زیبائی­ست یک مطلب رو بگم خدمت شما؛

ببینید ما‌ها خیلی وقت‌ها فریب عشق رو می‌خوریم، فکر می‌کنیم عاشق امام زمانیم و خوبه دیگه، عشق تازه اگر هم حقیقی باشد، حال آن که خیلی هم عشق‌های ما سر و تهش معلوم نیست. عشق خوب است اما کافی نیست، ما نیاز به هنر عشق‌ورزی داریم. عشق بین هر چیزی امکان دارد فروکش کند، قرآن در رابطه با عشق زن و شوهر می‌فرماید که وقتی صیغه محرمیت و نکاح دائمی منعقد شد، ما میان زن و مرد مودة برقرار می‌کنیم؛ این عشقِ عالی، فراتر از محبت است، بعد فرمود: و رحمة ( روم ـ آیه ۲۱) انتهای مودة، رحمته یعنی اگر تونستم از این مودتی که خدا بین زن و شوهر برقرار کرده استفاده بهینه رو ببرم و هنر عشق‌ورزی رو یاد بگیرم، آرام آرام تبدیل به محبت می‌شه.

برادران، خواهران! مودةِ بین ما و حضرت بقیة الله اعظم(روحی له الفداه) طبق آیه قرآن لازم است « قُل لا أسئَلَکُم عَلیهِ أجراً إلّا المَوَدَّةَ فِی القُربی، سوره شوری، آیه ۲۳» این رو باید آبیاری کنیم یا به تعبیر امروزی‌ها آپدیت­ش کنیم. را‌ه‌های مختلفیه، من فقط یک مورد رو درباره طلیعه بحثم بگم: حتما باید هنر عشق‌ورزی داشت، ابراز باید کرد این عشق رو، آبیاری باید کرد این عشق رو؛ « اللّهُمَّ أنّا نَرغَبُ – دعای افتتاح» یعنی همین دیگه « نرغبُ فی دولةٍ کریمة » بی تابی، اضطرار.

یک پیشنهاد میدم خدمت شما، ضمیر ناخودآگاه خود، فرزندان، خانواده، پدر، مادر، برادر، خواهر خودتون رو یک کاری کنید هر روز با یک ابراز عشق به حضرت آبیاری کنید؛ پیشنهاد میدم‌ها سه تا صندوق صدقه در منزل قرار بدید با سه عنوان، هر صندوق و یک برچسب بزنید، صندوق اول برچسب بزنید صدقه برای سلامتی امام زمان(علیه‌السلام) که کاش از امروز به بعد صدقه‌های من کلا مخصوص حضرت بشه دیگه، برای خودم فاکتور بگیرم، خودِ حضرت هوای من رو داره؛ من برای حضرت صدقه بدم، او برای نسل من صدقه خواهد داد، برای آینده‌هایی که هنوز نیامده حضرت صدقه خواهد داد. صندوق دوم، برچسب بزن صدقه برای آمدن امام زمان؛ چقدر خوبه نه؟ سوم صدقه به نیابت از امام زمان، بعد به کودکت بگو که خب پسرم امروز به کدوم صندوق پول انداختی؟ می‌گه: بابا، مامان اون صندوقی که به نیابت از امام زمان بود پول انداختم... بارک الله می‌دونی از طرف امام زمان(علیه‌السلام) دست یک فقیری رو گرفتی، فوق العاده است. طبق گفته روانشناسان ضمیر ناخودآگاه من حتی ۱۰ روز اگر آغشته بشه به یک ظاهرسازی‌های زیبا، این ضمیر ناخودآگاه تبلور در آن پیدا می‌کند؛ آرام آرام و طبق مبانی دینی ما چهل روز «مَاأَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أرْبَعِینَ صَبَاحاً اجَرَتْینَا بِیعُ الْحِكْمَةِ مِنْقَلْبِهِ علَى لِسَانِهِ- بحارالأنوار 67 242 باب 54 »چهل روز برای حضرت کاش بمانیم.

**رجعت :**

رجعت بحث خیلی مهمیه، یک بحثیه که مظلوم واقع شده، ناقص مطرح می‌شه حتی امروز هم اگه خدا توفیق بهم بده خدمتتون باشم و به ناچار هر چی هم سرعت بدم باز هم ناقص مطرح خواهد شد!

بحث رجعت رو هر روز صبح شما در دعای عهد می‌خوانید دیگه «اللّهُمَّ إن حالَ بَینِی وَ بَینَهُ المَوتَ الَّذِی جَعَلتهُ عَلی عِبادِکَ حتماً مقضیا فَاَخرِجنِی مِن قَبرِی» من قبلش یک سوال مطرح کنم: **رجعت چه زیبایی‌هایی دارد؟** من می‌گم زیباترین بحث مهدویت، بحث رجعته.

رجعت یک بحثیه که اصلا حد و حصر رو متلاشی می‌کند برای یک عاشق. عمر اصلا و ابدا اذیتش نخواهد کرد که حالا تمام بشود یا نشود «اللّهُمَّ إن حالَ بَینِی وَ بَینَهُ المَوتَ... فَاَخرِجنی مِن قَبرِی» اصلا مرگ بیاد، مرگ اگر مردی بگو نزد من آیی/ تا در آغوشت بگیرم تنگ تنگ.

مرگ بین من و امام زمانم فاصله نخواهد انداخت «فَاَخرِجنی مِن قَبری» همین الان اون‌هایی که از دنیا رفتند گاهی به بچه بازی‌های ما می‌خندند؛ اینا رو نگاه کن، گیر کردن به بعضی چیزای تو دنیا ... و چه مهماتی که بهش کم توجه اند! خیلی از وقت‌ها - اونایی که از دنیا رفتند ـ چون به حقیقت رسیدند، به ما می‌خندند. عرض من اینه: این انسان نازنیـن، ملکوتی، فوق العــاده، الهــی حالا از دنیا رفت، تازه زنـدان تمام می­شه، وارد « فَادخُلِی فِی عِبادِی وَ ادخُلِی جَنَّتِی- سوره فجر، ۲۹-۳۰» می‌شود، وارد بهشت برزخی می‌شود، سکرات موت، فشار قبر، مریضی‌ها، فقر‌ها، ظلم‌ها، همه رو پشت سر گذاشته؛ تازه رسیده به یک آرامش، یهو می‌گن امام زمان(علیه‌السلام) آمد بعد همین آدم نورانی چشمش به خداست، آخدا! می‌شه بَرَم گردانی؟ بابا چته، تازه آرام شدی، کجا می‌خوای بری؟ باز همون گرفتاری‌ها. می‌گه:نه

سائل توست کسی کز تو، تو را خواهد و بس آن که شد طالب تو، در طلب درهم نیست

خصوصا اگر بفهمی و بهت بگن که کنار بقیة الله الاعظم، اولین رجعت کننده، وجود با کرامت امام حسین(صلوة الله علیهم اجمعین) است. این که شب عاشورا زهیری که یه مدت فراری بود بعد عاشق شد، به محضی که عاشق شد به ابی‌عبدالله عرض کرد: آقا جان، اگر صد بار قطعه قطعه بشم دوباره برگردم، دوباره دوست دارم در رکاب تو به شهادت برسم، اینه دیگه عشق. وقتی آسیه زن فرعون دعا می‌کند: خدایا یک غرفه ای، یک بهشتی، قید می‌کنه کنارش که: خدایا بهشت در کنار خودت وگرنه جنت بی تو عذابش ز جهنم کم نیست. می‌خوام بگم آقا رجعت، آنقدر زیبا است...

رجعت اون قدر مهمه، اون قدر زیباست که تو رو خدا – به خودم هم میگم – تا دیر نشده یک کاری کنید که وقتی برگشتید یک پیشانی بند سبزی بر جبین شما نقش بسته باشه، و وقتی از امام شما سوال کرده باشند که اینا کین که برگشتن؟ حضرت برداره در جواب سوال کنندگان بفرماید که: این‌ها جزء یاران خودم هستند، من تربیتشون کردم.

دیر می‌شه ها! اگر برای رجعت کاری نکنیم. به والله اون قدر حسرت می‌خوریم وقتی یه عده از یاران حضرت برمی‌گردن و من هر چی بگم آخدا، منم برگردان، منم می‌خوام برگردم. خدا به من پاسخ بده که برگردی چی؟ می‌خوای چیکار کنی مثلا؟ وقتی بودی چه کردی که الان برت گردانم؟! رجعت مال خواص هست.

امام صادق فرمود: «اگر چهل صباح دعای عهد را بخوانی، جزء رجعت کنندگانی»

کاش هنگام دعا لب ز میان برمی‌خواست بی میانجی گری لب، تو فقط بودی و من

به قول یکی از صاحب نظران آلمانی، او می­گفت: عجیب اند این شیعیان! هر روز صبح میگن: اللّهُمَّ إنِّی اُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَتِی یَومِی هذا ؛ این شیعیان حتما یک روز دنیا رو فتح خواهند کرد. می‌گیم: برای چی؟ میگه: این قدر این‌ها در ضمیر ناخودآگاه خودشون القا می‌کنند که «اُجَدِد، اُجَدِد، اُجَدِد: تجدید پیمان، تجدید پیمان» یک روزی کار دست ما خواهند داد “تجدید پیمان”

دعای عهد، چون بحث رجعت است این‌ها رو من میگم، منِ ضعیف به این نتیجه رسیدم که از زیباترین دعاهاست، کدوم دعا به این عظمت می رسد؟ که امام صادق(علیه‌السلام) فرمودند: «هر کلمه دعای عهد، هزار حسنه خدا بهت می‌دهد» مگه چیه این دعا؟ یعنی چی هزار حسنه میده؟ شما نگاه کنید یک سلام می‌خواهید به امام زمان(علیه‌السلام) بدهید قبلش این قدر در لحافه‌های نورانی این کلام را می‌پیچانی «اللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ العَظِیم وَ رَبَّ الکُرسِیِ الرَّفِیع وَ رَبَّ البَحرِ مَسجُور وَ مُنزِلَ التوراةِ .. » تا آخر... که چی؟ «بَلِّغ مَولانَا الامامَ الهادِی المَهدِی(سلام الله علیه)» مگه چیه این دعای عهد؟ کدوم دعا این همه عظمت؟ فرمود: «هر کلمه دعای عهد، هزار حسنه داره و هر کلمه دعای عهد هزار سیئه رو بر می‌دارد »

یابن الحسن چقدر کم لطفم‌! صبح‌هایی هم که دعای عهد را می‌خوانم یک چشم باز، یک چشم بسته! نکنه یک بار خوابم بپره. با همون لباس‌های از جا بلند شده‌ها، گاهی وقت‌ها باز زیر پیرهنی «اللّهُمَّ إنِّی اُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَةِ یَومِی هذا» بابا یک سرباز وقتی کنار یک فرمانده می‌ایسته، بند پوتین او باز باشه تشر بهش می‌زنن. حالا من آمدم تجدید عهد ببندم؟! بند پوتینم بازه، دکمه‌ها بازه، چقدر بی ادبم من! چه جوری می‌خوام با تو تجدید عهد ببندم. چهل صباح یعنی دعای عهدی که هزار حسنه بدهد، چهل صباح یعنی دعای عهدی که هزار سیئه رو بردارد، بعد تو رو نور کنه طوری که وقتی از دنیا رفتی جالبه... خیلی... اصلا من عاشق بحثِ رجعتم خصوصا روی این ظرافت‌هاش، وقتی که از دنیا رفتی اولین کسانی که از آمدن امام زمان(علیه‌السلام) مطلع می‌شوند مردگان در عالم برزخند و چنان این‌ها نگاه به خدا می‌کنند، بَرِمون گردون بعد یک لیست از جانب حضرت تقدیم پروردگار می‌شود؛ آخدا اون خوبانِ خوب و اون بدانِ بد، این‌ها که برمی‌گردند درست، اما آخدا منم برم گردان...

می‌دونی ما‌ها نشناختیم امام زمان(علیه‌السلام) و... ماها بی تاب حضرت نشدیم! « إذا ماتو إنتَبَهُوا- بحارالانوار،ج4،ص 43» نه؟ بذار بمیریم بعد بر سر خود خواهیم زد. وای چه دوره‌ای رو از دست دادیم، دوره‌ای که زین‌العابدین و سید الساجدین حتی حسرت این دوره رو می‌خورد « وَ أسرَعِهِم إلی حاجَتِهِ » وای چه امامی رو قدرش نشناختیم، امامی که علی بن موسی الرضا(علیه‌السلام) می‌فرماید: «بِأبِی أنتَ وَ اُمِّی وَ نَفسِی- شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام،ج2، ص6» مهدی من، خودم، پدرم، مادرم فدای تو... بعد « اذا ماتو انتبهوا » تازه می‌فهمیم مهدی(سلام الله) یعنی چی؟ به قول هانری کربن:« یعنی عصاره، عصاره خلقت»... برم گردان، برم گردان. فوق العاده است این برم گردان، حالا بریم روی بحث رجعت، این بحث رو مطرح کنیم. ان شاءالله امیدوارم بتونم از پسش بربیام، بحث دقیقیه، بحث فوق‌العاده‌ا‌یه، حضرت کمک کنه، برای سلامتی وجود نورانی ایشان یک صلوات بفرستید.

**رجعت در لغت :**

رجعت از نظر لغت اگر بخوایم معنا کنیم: «العَودَةُ إلی الحَیاةِ الدُنیا بَعدَ الموت» این رو در کتب لغوی بهش رجعت می‌گن: برگشت به سمت حیات دنیا بعد از موت یا مثلا این تعابیر لغوی هم هست: «فلانٌ یؤمِنُ بِالرَجعَةٍ» مثلا فلان آدم ایمان به رجعت دارد «أی بِالرُجُوعِ إلی الدُنیا بَعدَ الموت» این معنی لغوی رجعت.

در مفردات راغب هم همین مدل اشاره شده که الان من یک بخش از کلام مفردات راغب(اصفهانی) رو بیارم خدمت شما: «الرُّجُوعُ: العودُ إلى ما كانَ مِنهُ البَدَءُ» از اون جایی که آغاز کرده برگردد، عود. گاهی ما اشتباه میگیم، می‌گیم آقای فلانی مراجعه کرد در حالی که دفعه اولشه، نه دیگه مراجعه یعنی جایی که بود، رفته بود، دوباره برگشت و «الرَّجْعُ: الإعادة؛ برگشتن یا برگرداندن هم می‌شود که پایین الان می‌گیم» «رجوع» به معنای بازگشت به چیزی كه شروع از آن بوده و «رجع» به معنای برگرداندن هم می‌شه. پس رجعت هم بازگشت، بازگشتن، بازگرداندن، این‌ها همه معانی رجعت رو داره. «فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلى‏ طائِفَةٍ مِنْهُم‏، سوره توبه آیه ۸۳» اگر خدا برگرداند یا «إِنَّهُ عَلى ‏رَجْعِهِ لَقادِرٌ، سوره طارق آیه ۸ » این‌ جا ببینید رجع به معنای برگرداندن «خدا بر، برگرداندن شما قدرت دارد (لقادر)».

**رجعت در ادعیه و روایات:**

کلمات مترادف رجعت در روایات و ادعیه هست مثل این چند تا کلمه « كرّ یكِرُّ كرّة » در روایات داریم، الان می‌گیم مثل چی، مثلا: « وَجَعَلَنِی مِمَّن یكِرُّ فِی رَجعَتِكُم، زیارت جامعه» خدایا من رو از جمله کسانی قرار بدهد که برم گرداندند در رجعت آنها، پس یَکِرُ هم به معنای برگشت هست یا مثلا این روایت که خیلی به درد ما خواهد خورد، این روایت مورد بحث قرار خواهد گرفت: «أَیامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ یوْمٌ یقُومُ الْقَائِمُ( عجل الله تعالی فرجه شریف) وَ یوْمُ الْكَرَّةِ وَ یوْمُ الْقِیامَه، بحارج53 ص 63» ایام الله سه بخش است: روزی که حضرت بیاید و روز رجعت (یوم الکَرَّه) و روز قیامت (و یوم القیامه) به عنوان کلمه «ا‌یام» هم می‌آید: «أشهد أنّی بِكُم مُؤمِنٌ وَ بِإیابِكُم مُوقِنٌ، زیارت أربعین» إیابکم هم اینجا به معنای رجعته: برگشت، بازگشت.

**رجعت در اصطلاح:**

در اصطلاح رجعت با فتح راء در نزد شیعه اینه: « اینکه خداوند عده‌ای را در همین دنیا “ به همان صورت پیشینشان؛ این خودش باز یک نکته است ”برخواهد گرداند این امر کِی اتفاق می‌افته؟ حالا این خودش یه بحثیه. آیا رجعت عند القیام هست، آغاز قیام هست؟ یا زمان حکومت و ثبات حکومت هست؟ کِی هست؟ حالا بررسی­ش خواهیم کرد که کِی خواهد بود. شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه) این جوری یک تعبیر جالبی داره در کتاب أوائل المقالات خودش، ص78 خیلی نکته زیبایی دارد: «إنّ الله تعالی یرِدُّ قوماً مِنَ الامواتِ إلی الدُنیا فَیصَوِّرَهُم: همانا خداوند متعال گروهی از أموات را به همان وضعیتی كه بوده‌اند برمی‌گرداند... این رو می‌خوام خیلی دقت کنید‌ها، بعضی از نکات کلیدین در بحث رجعت که بعد اشکالاتی مطرح می‌شود که ما با توجه به همین کلید واژه‌ها می­تونیم اون اشکالات رو جواب بدیم.

شیخ مفید شاید زیباترین تعریف رو کرده: خداوند متعال گروهی از أموات را به دنیا «فِی صُوَرِهمُ الَّتِی» در همان صورتی كه «کانوا علیها» بوده‌اند (همون مدل و صورتی که بودند، طرف بگه: آخدا حالا که منو برمی‌گردانی، سیاه پوست بودم، سفید پوستم برگردان! نه نمیشه، یا مثلا دماغم این‌جوری بود، اون‌جوری برگردان! یا اصلا دلم می‌خواد در یک کالبد دیگه ای بیام، نه)

«فَیعِزُّ مِنهُم فَریقاً وَ یذُّلُ فَرِیقًا» باز این جا یک نکته دیگری ثابت می‌شود. اون‌هایی که در رجعت برمی‌گردن یه عده اون‌ها عزیز می‌شوند در رجعت، یه عده اون‌ها ذلیل می‌شوند، پس معلومه در رجعت هم خوبان میان هم بدان.

**آیا اهل سنت رجعت را قبول دارند؟**

رجعت از ضروریات مذهب جعفری است، یعنی چی از ضروریات؟ جزء مذهبه یعنی چی؟ « قَال الصَّادِقُ(علیه‌السلام): لَیسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا، من لایحضره الفقیه، ج‏3، ص: 459» میشه ضروریات... یعنی اگر قبول نکردی، اصلا تو شیعه نیستی، این قدر بحث رجعت مهمه، نیست از ما کسی که ایمان به آمدن دوباره ما نداشته باشه، پس معلومه یکی از کسانی که برمی‌گردن کیان؟ حضرات معصومینند(صلوة الله علیهم اجمعین) همینه که امام صادق( علیه‌السلام) فرمود که: «اگر من زمان مهدیم رو درک بکنم، تمام عمرم رو به او خدمت خواهم کرد- الغیبة النعمانی/245» اگر حضرات معصومین برگردن، حرف اول و آخر رو کی می‌زند؟ واقعا بحثه...

خب اما رجعت از نظر اهل سنت: برخلاف عقیده شیعه، اهل‌سنّت اعتقادی به رجعت ندارند و حتی اون رو خلاف عقاید اسلامی می‏دانند! میگن... خیلی عجیبه! یکی از بحث‌های خیلی جنجالی بحثِ رجعت. شیعه میاد بحث رجعت رو جزء ضروریات مطرح می‌کند و اهل‌سنت آن را خلافِ اعتقادات می‌نامد...

ما مثلا در بحث رجال... خیلی از وقت‌ها با این چالش رو به رو هستیم. بحث رجال یعنی راوی‌شناسی، باید روات رو بشناسی بعد می‌گی خب این راوی رو باید از کتب رجالی پیدا کرد بعد کتب رجالی اهل‌سنت وقتی میان پیرامون راویان بحث می‌کنن چون اهل‌سنت هم راویان شیعه رو قبول دارند هم چنین که ما بعضی از رواتِ اهل‌سنت رو قبول داریم بعد گاهی از وقت‌ها به بعضی از راویان که می‌رسند این حرف رو می‌زنند: نویسندگان و شرح حال نویسانِ اهل سنت، معتقدان به رجعت رو طعن و رد می‌کنند و آن را نشانه طرد روایت راوی می‌دانند گویا در نظر آنان عقیده به رجعت در شمار کفر و شرک یا بدتر از آن قراردارد! به این بهانه شیعه را می‏کوبند و ناسزا می‏گویند پس معلومه بحث رجعت یک بحثِ ناموسیه‌ها...

البته در میان اهل‌سنّت افراد بسیار اندکی هستند که به رجعتِ کسانی – از جمله اصحاب کهف درعصر ظهور مهدی(سلام الله علیه) – اشاره کرده‏اند و اعتقاد دارند. این‌ها بحث رجعتِ یک عده رو می‌پذیرند پس به صورت مطلق در میان اهل سنت، این انکار نیست. اکثر این‌ها نپذیرفتند ولی هستند بینشون کسانی که این تفکر رو قبول کردند.

**اثبات رجعت :** پس بحثِ رجعت یک بحث یه بحث فوق العاده مهمیه. بحث رو شما هم شرکت کنید تا هم کلاس خسته کننده نباشه، هم منم استفاده کنم که واقعا هر بحث در این رابطه باید به صورت پلکانی، برای ما رشد داشته باشه، و از مباحثی که منتقل میشه استفاده کنیم.

خب ببینیم آیا با این ادله می‌شود رجعت رو اثبات کرد یا نه؟

ابتدا بحث **اثبات امکان رجعت** رو مطرح کنیم:

امکان یعنی چی؟ کی می‌تونه بگه؟ یعنی آیا عقل می‌تواند بپذیرد این مساله را؟ آیا عقلا ممکن است؟ چون اهل‌سنت می‌گن محاله اصلا و ممکن نیست همچین چیزی!

همیشه برای اثباتِ یک بحثی، ابتدا بحث امکانش مطرح می‌شه؛ آیا ممکن هست یا ممکن نیست؟ ممکن بودن یعنی وقوع آن در خارج، لذا می‌گن: « اَدُلُّ دَلیل علی اِمکانِ شَیئِهِ وُقُوعُهُ فِی الخارجِ » بالاترین دلیل بر امکان یک چیزی، وقوعش در خارجه. اگر دیدی یک چیزی در خارج واقع شد بگو پس ممکنه دیگه حالا که واقع شده پس امکان وقوع دوباره اش هست.

لذا در بحث طول عمر مبارک حضرت بقیة الله (روحی و ارواحنا فداه) هزار و خورده‌ای سال، آیا ممکن است یا محال؟ می‌گیم: « اَدُلُ دَلیل علی اِمکانِ شَیئِهِ وُقُوعُهُ فِی الخارجِ » اگر در خارج نظیری برای طول عمر داشتیم پس معلومه این ممکنه و محال نیست. جناب آقای سجستانی در کتاب المُعمرٌ، پدربزرگ عزیز مصر رو نام می‌برد، می‌گه: ۳۰۰۰ سال عمر داشت. آقای بودا در کانون پُآلی می‌گه: زمان میتریه که بیاد عمر انسان‌ها به ده هزار سال می‌رسه، حتی معتقده بودا می‌گه: سال‌های قبل هم وقتی گناه زیاد نشده بود، انسان‌ها هزاران سال عمر می‌کردند پس طول عمر امکان داره، نگو محاله. حالا بحث رجعت رو ولو ما دلایلی برای وقوعش داریم ولی به خاطر این که روند بحث بره جلو اول از امکانش صحبت می­کنیم، بعد وقتی دیدیم از نظر عقلی محال نیست، میایم می‌گیم **آیا قبلا هم محقق شده یا نه؟**

دو مدل بحث می‌کنیم:

**از نظر عقلی:**

یه سوال؟ آیا ایجادِ یک امرِ عدمی سخت‌تره یا پیوند دادن اجزاء پراکنده (که قبلا به وجود آورده اید) ؟ عدم رو بوجود آوردن که خیلی سخت‌تره! این یک دلیل امکانی هست هم برای برگشت جسمانی در قیامت و هم برای برگشت جسمانی در رجعت.

اهل سنت می­گویند رجعت محال است، بحث عقلی می‌خوایم مطرح کنیم، می‌گیم: همه مسلمانان به امکان قیامت اتفاق نظر دارند و این در حالی است که معاد همگانیِ جسمانی به مراتب دشوارتر از بازگرداندن تعداد محدودی از انسان‌ها است. شما اهل‌سنت که به برگشت در قیامت که معتقدید، پس چطور در رابطه با معاد نمی‌گی محاله؟! اما در رابطه با رجعت می‌گی محاله؟! ببینید بحث امکانِ‌ها فعلا، چون کسی از اهل‌سنت نمی‌گه: برگشت در قیامت محال است « وإِنَّهُ عَلى ‏رَجْعِهِ لَقادِر، طارق، آیه ۸ » پس رجعت به طریق اولیٰ ممکنه نگو محال، چرا گفتی محاله؟ بحث از امکان، حالا این بحث مطرح شود که آیا رجعت واقع هم شده یا نه؟ بله، یک نمونه‌اش رو فعلا بگیم باز نمونه‌های دیگر در آیات قرآن خواهد آمد.

در امت‌های قبل، رجعت در خارج واقع شده:

مانند جریان عُزَیر پیامبر، سوره مبارکه بقره به تصریح خدا جریان برگرداندن عزیر را از مرگ اشاره می‌کنه، عزیر پیامبر با اون مرکبی که داشت از کنار یک روستایی، منطقه‌ای رد می‌شد. نگاه کرد، دید این روستا بهم ریخته و فرسوده و فرتوت و سال‌های پیش یک عده‌ای در این روستا زندگی کردند و آثاری از اون‌ها به جای نمانده جز مخروبه‌ها. عرض کرد: آخدا چه جوری این انسان‌هایی که سال‌ها الان رَمیم شدند؛ پودر شدند، این‌ها دوباره زنده میشن؟

خداوند می‌فرماید: ما به خاطر این که هم به پیغمبر یاد بدیم و هم به دیگران- مثل من و تو که الان داریم بحثش رو می‌کنیم- بفهمانیم و یاد بدیم که اگر مردید ما قادر به بازگرداندن شما هستم، پیغمبر رو از دنیا برد بعد از ۱۰۰ سال عزیر پیغمبر رو برگردوند! خدا ازش پرسید که: صَبَّحَکُمُ اللهُ بِالخَیر، حالت چطوره؟ به به، چقدر خوابیدی؟ عزیر پیغمبر عرض کرد که ساعاتی رو ظاهرا خوابیدم، خدا فرمود: ۱۰۰ سال خوابیدی، حالا نگاه کن به حیوان و به این چهارپا. نگاه کرد دید: عجب! این چهارپا استخوان پوسیده ی شاید پودر شده ای شده! بعد این نکته‌اش خیلی قشنگه بعد فرمود: حالا نگاه به طعامت کن. پیغمبر به طعام نگاه کرد دید طعام سالمه‌‌ها در حالی که طعام خیلی زود فاسد می‌شه و بدن انسان و حیوان دیرتر فاسد می‌شود، خیلی نکته ی لطیفیهِ، بعد فرمود: حالا نگاه کن، اشاره‌ای شد به این مرکب، استخوان‌ها جمع شد و دوباره زنده شد...

پس همچین چیزی واقع هم شده. خدا، خدا است دیگه واقعا بعضی از کار‌های خدا خیلی جالبه مثل اینکه در رابطه با طول عمر حضرت، شما نگاه کنید او هم انسان است، ما هم انسانیم اما او هزار و خورده‌ای سال عمر می‌کند، ما به صد سال هم به زور می‌رسیم. هر دو یک جنس اما خدا عمرِ امام رو اون‌قدر می‌کند، عمرِ من رو این‌قدر بعد می‌فرماید: عین موی سر و موی ابرو، هر دو مو هستند اما این کجا و آن کجا. حالا اگر نگیم ابرو عمرش دائمیه... حالا دائمی که نیست، طولانی که هست. خدا میاد در رابطه با مرکبِ عزیر فرسودگی و فرتوتگی و رمیم بودن رو درست می‌کنه اما در طعام عزیر تازگی و سالمی را قرار میده! خب، این مثالی در رابطه با امت‌های قبل بود.

یا نمونه های دیگر: مثل حضرت عیسی که مردگان رو زنده می‌ساخت.

در امت اسلامی هم بوده یک موردی بگین؟ اینجا خوبه همه اشتراک نظر دارید، الحمدالله. یک مورد هست که امام رضا( علیه صلوة والسلام) این رو فرمودند: « قریش از پیامبر تقاضا زنده کردن مردگان کردند که حضرت به امام علی( علیه‌السلام) فرمود: که با این‌ها به قبرستان برو و اشخاصی که اینا نمی‌خواهند با نام رسا صدا بزن و... بعد امام علی هم بالاخره چنین کرد و آن مردگان از قبر بیرون آمده و سر و صورت از خاک تکان داده به حقانیت دین مقدس اسلام و پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)شهادت دادند، ایقاظ الحجه ص 115 به نقل از کتاب رجعت جمال الدین طبسی » یک مورد در رابطه با علی بن ابیطالب(علیه صلوة والسلام) هم رسیده که حضرت به اذن خدا و به دستور پیامبر(صلوة الله علیه اجمعین) چنین کاری رو انجام دادند.

**رجعت از منظر قرآن:**

این بحث آیات رو دو مدل و دو نگاه میشه بهش کرد: یکی بحث امکانی، یکی بحث وقوعی

هر دو بحث در این آیات هست. آیات زیادی در رابطه با امکان رجعت وجود داره. من بخشی از آیات رو انتخاب کردم والا خیلیه. «اعوذ باالله من شیطان الرجیم إنَّ اللهَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیر؛ حج/6» خدا بر هر چیزی قادر است - این یک- «الیس ذالک بِقادِرٍعَلی أن یُحیِی المَوتی؛ القیامه /40» آیا خدا قدرت ندارد مرده ای را زنده کند؟ این قدرت را دارد. می‌گیم خب شاید این فقط مربوط به قیامت باشد، می‌گیم خیلی خب حالا نگاه کن آیات دیگر هم برای تو بخوانم که این‌ها همه نشانگر آن است که خدا قدرت بازگرداندن انسان در دنیا را دارد.

اما اولین آیه سوره مبارکه نمل: أعوذ بالله من شیطان الرجیم «وَیوْمَ نَحْشُرُ این جا نگاه بکنید “مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ” فَوْجاً مِمَّنْ یكَذِّبُ بِآیاتِنا فَهُمْ یوزَعُون نمل 27 : 83‏» فرمود که: به خاطرآور روزى را كه ما از هر امّتى، گروهى را از كسانى كه آیات ما را تكذیب مى‏كردند محشور مى‏كنیم و آن‌ها را نگه مى‏داریم تا به یكدیگر ملحق شوند! خب از این آیه چه میشه فهمید؟ آیا قیامت یا رجعت؟ ای کاش بشه همین آیه رو یک مقاله نوشت، شما این آیه رو نگاه کنید، قرآن داره از آینده خبر میده: خیلی می‌خوام دقت کنید، و یوم نحشرُ ما در آینده... پس اولا بحق قرآن فعلا در این آیه بحثی از گذشته نیست که بگیم اصحاب کهف و امثالهم، بحثِ نحشرُ است؛ نحشرُ فعل مضارع است؛ مُستقبل؛ آینده، دوما بحث مِنْ کُلِ اُمَةٍ هست از هر امتی یک عده! «از هر امتی یک عده» یعنی این معاد همگانی نیست.

خب حالا اهل‌سنت، برادر من تو بهم بگو اون روز چه روزیه؟ اصلا ما نمی‌گیم زمان ظهور امام زمان(علیه‌السلام) ولی یک روز رو در میان تفکرات خودت معرفی کن برای ما. یک روزی که اولا این اتفاق مالِ آینده باشه نه مالِ قبل اسلام، درسته یا نه؟ نحشر فعل مضارعِ دیگه... مال آینده ی ... تا الان هم اتفاق افتاده یا نیفتاده؟ نیفتاده، به این عظمت تا به حال اتفاق نیفتاده مگر اینکه ما اطلاع نداشته باشیم و تاریخ هم خواب بوده و شما بیدار بودی و یک اتفاق این چنینی افتاده خب بگید ما هم بفهمیم. اصلا من کلا بحث رجعت رو طبق تفکر خودم می‌بوسم، می‌ذارم کنار. شما عالم سنی به من بگو این چه اتفاقیه؟ اگر ‌بگی قیامت که قطعا دروغ گفتی. ببین همین جریان از امام صادق( علیه‌السلام) سوال شد؛ امام از سوال کننده پرسیدند که این آیه رو مردم چه می‌گویند؟ « قَالَ اُولُ النَّاسُ فِی هَذِهِ الْآیةِ وَ یوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً قُلْتُ یقُولُونَ إِنَّهَا فِی الْقِیامَةِ قَالَ لَیسَ كَمَا یقُولُونَ إِنَّ ذَلِكَ فِی الرَّجْعَةِ أَیحْشُرُ اللَّهُ یوْمَ الْقِیامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً وَ یدَعُ الْبَاقِینَ إِنَّمَا آیةُ الْقِیامَةِ قَوْلُهُ وَ حَشَرْنا هُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَدا، بحارالأنوارج53 ص60) إمام صادق علیه السلام فرمودند : مردم (اهل‌سنت) در مورد این آیه «و یوم نحشر...» چه می‌گویند؟ عرض کردم: آقا می‌گویند در مورد قیامت است. حضرت فرمودند: این‌طور نیست این مسأله در مورد رجعت می‌باشد آیا خداوند در قیامت از هر امت یه گروهی را محشور و بقیه را رها می‌كند؟! آیه مربوطِ به قیامت این آیه است « وحشرناهم... کهف ۴۷»

خیلی عجیبه! ای کاش گاهی وقت‌ها یک کاغذی، یک صفحه آچاری در یک هوای خوب و بهاری و زیبا و حال خوش، رو صفحه آچار بنویسیم: «بسم الله الرحمن الرحیم آیا می‌‌توان شیعه نبود؟» با تفکر اسلامی‌ها، نه برون دینی... نه... درون دینی اما بحث مذهب. به من بگید جناب اهل‌سنت من چه جوری باید این‌ها پازلش رو بهم درست کنم؟ کمکم کنید که حداقل شاید دلم بخواد سنی بشم خب، نمی‌شه به خدا. هر کاری هم بکنی بازم نمی‌شه، آخه من دینی و مذهبی رو که این مذهب بیاد بگه علی حق است، معاویه هم حق است، بله هر دو تا هم همدیگر رو بکشند! اصلا نمی‌پذیرم. بی دینی به اعتقاد من خیلی سنگین تره.

آیه بعد که همون آیه عزیر پیغمبر بود؛ اگر یادداشت می‌خواهید بکنید سوره مبارکه بقره آیه ۲۵۹ « أَوْ كَالَّذِی مَرَّ عَلى قَرْیةٍ وَ هِی خاوِیةٌ عَلى عُرُوشِها قالَ أَنَّى یحْیی هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قالَ كَمْ لَبِثْتَ قالَ لَبِثْتُ یوْماً أَوْ بَعْضَ یوْمٍ قالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عامٍ فَانْظُرْ إِلى طَعامِكَ وَ شَرابِكَ لَمْ یتَسَنَّهْ وَ انْظُرْ إِلى حِمارِكَ وَ لِنَجْعَلَكَ آیةً لِلنَّاسِ وَ انْظُرْ إِلَى الْعِظامِ كَیفَ نُنْشِزُها ثُمَّ نَكْسُوها لَحْماً فَلَمَّا تَبَینَ لَهُ قالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ» خب جریان عُزَیر را گفتم دیگه.

آیه بعد جریان حضرت ابراهیم خلیل(علیه صلوة والسلام) را هم مطرح می‌کند که همون جریانی که تقاضا کرد از خدای تبارک و تعالی که زنده شدن مردگان رو نشانش بده که داستان معروف همون چهار حیوانی که ابراهیم قطعه قطعه کرد و به دستور خدا هر کدام را صدا زد، اون‌ها زنده شدند.

اما آیه بعد درباره حضرت موسی و نمایندگان بنی اسرائیل، که باز بحث امکانی و وقوعی هر دو رو مطرح می‌کند، حالا وقوعی رو اشاره کنیم: سوره مبارکه بقره آیه ۵۵ « اعوذ باالله من شیطان الرجیم وَ إِذْ قُلْتُمْ یا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» عده ای با موسی بن عمران(علی نبینا و آله و علیه صلوة و السلام) رفتند کوه طور به عنوان نمایندگان بنی‌اسرائیل بعد برداشتند به موسی گفتند که: یا رسول‌الله! اگر خدا را به ما نشان ندهی ما کافر خواهیم شد. هر کاری موسی کرد که این‌ها آرام بشن، بابا خدا دیدنی نیست، نمی‌شه خدا را در قالب چشم دید، خدا لایتناهی است، چیز لایتناهی رو مگه میشه دید! اصلا قابل دیدن نیست.

( یک نکته‌ای رو داخل پرانتز بگم: شما بخوای سفر کنی به یکی از سیاره‌ها یا ستاره‌های خارج از منظومه شمسی چقدر طول می‌کشه اگر عمر داشته باشی؟ خیلی... یک وقت من با یک مهندس پرواز در سفر با هم بودیم، خیلی جمله جالبی بهم گفت، وقتی فهمید من طلبه هستم گفت که: شما طلبه‌ها خیلی منبر می‌رید یک دفعه امروز بنشین من برات منبر برم، تو مسیر این آقا برای من منبر گفت و واقعا اشکم رو درآورد، یکی از جملات ایشون می‌گفت: خدا را نگاه کن، شما الان بعضی از ستاره‌ها رو داری می‌بینی، می‌گی این ستاره مال من، اون ستاره مال مامان، اون یکی مال بابا، اون مال آبجی، هی ستاره‌ها رو... دیدید در دوران کودکی اسم‌گذاری می‌کنیم تعبیر ایشون رو میگم، چون برام جالب بود لحن و بیانش، می‌گفت: اون ستاره‌ای که الان می‌گی مال من، اون ستاره شاید الان نباشه، شاید اون ستاره سالیان سال پیش منهدم شده باشه، تازه نورش به من رسیده، تازه من دارم می‌بینمش. سفر به حالا بگیم یکی از ستاره‌ها یا سیاره‌های خارج از منظومه شمسی، خدا ان شاءالله عمر طولانی به ما بده، ان شاءالله راه بیفتیم بریم طبق دانشمندان ستاره‌شناس به بعضی از این‌ها که تخمین زدند بالغ بر ۱۰۰۰۰ میلیارد سالِ نوری طول می‌کشد که ما بهش برسیم. آقا سوال: خدا در عالم است یا عالم در خدا؟ اگر بگی خدا در عالم است که کم لطفی کردی. آمد به امام صادق گفت: یابن‌رسول‌الله آیا خدا قادر است دنیا را در تخم مرغ جا بدهد؟ امام صادق فرمودند: بله که قادر است اما تخم مرغ همچین قابلیتی ندارد حالا من می‌خوام این خدا رو ببینم، چه جوری ببینمش؟ )

این‌ها گفتند: نه یا‌رسول‌الله! می‌خواهیم خدا رو ببینیم! دستور خدا بر قبض روح همه این‌ها صادر شد، همه شون مردند. موسی بن عمران ماند و یک عده مُرده رو دست! عرض کرد: آخدا بابا یک کار کن که الان من برگردم در قوم، این‌ها منو متهم نکنند که مثلا به این‌ها زهر دادی چه کارشون کردی؟ « ثُمَّ بعثناکُم مِنْ بَعدِ موتِکُم» این‌ها بعد این که مرده بودند خدا دوباره زنده شون کرد.

پس این آیه هم دلیل محکمی بر امکان زنده شدن در دنیا هست، اما یک آیه دیگه هم بگیم:

این آیه که دیگه جزءِ پذیرفته شده شیعه و سنی و مذاهب دیگه هم هست. آیه اینه: « و إذ تُخرِجُ الموتی بإذنی، مائده /110» (وأُحیی الموتی بإذنِ اللهِ، آل عمران /49) حضرت عیسی بن مریم (علی نبینا و آله و علیه صلوة والسلام) هم که داستانش مشخص است.

خب بنده یک بحثی رو مطرح کنم بعد ببینم اشکالی به ذهنتان می‌رسد یا نه؟

یکی دیگر از آیات اثبات رجعت: آیه مربوط به اصحاب کهف است « وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدادُوا تِسْعًا - کهف /25» سیصد سال این‌ها در غار ماندند، آیا میشه برای بحث رجعت، از این آیه استفاده کرد؟ یه عده این بحث رو مطرح می‌کنند می‌گن اصحاب کهف که نمرده بودند پس از آیات مربوط به اصحاب کهف در رابطه با رجعت استفاده نکنید. درسته یا نه؟ حضرت سجاد(علیه صلوة والسلام) فرمودند: خواب خودش یک مرگ است. پس ما هر روز دوباره رجعت می‌کنیم، از این نگاه درست.

حالا دیگه چی میشه به بحث اصحاب کهف پرداخت یا نه؟ ممکنه یک عده ادعا کنند که این‌ها مرده بودند ولی خب ما داریم که این‌ها رو خدا از این پهلو به اون پهلو می‌کرد معلومه که این‌ها خواب بودند، پس چرا بحث اصحاب کهف رو خیلی‌ها در منابع خودشون میارند؟ حالا نظر شخصی بنده اینه – شاید واقعا دارم اشتباه می‌کنم – که بحث اصحاب کهف رو نیاریم در آیات مربوط به رجعت، ولی الفت چون زیاده و جزء بازگشت‌کنندگان اصحاب کهف هستند. در هر صورت چون آوردند آقایان، و تقریبا همه آقایانی که بحث رجعت رو مطرح کردند این آیه سوره مبارکه کهف رو هم به عنوان استناد به بازگشت مطرح کردند، بنده هم آوردم وگرنه خودم اعتقاد دارم این آیه به عنوانِ مُؤَیّد خوبه اما به عنوان دلیل نه.

یکی از آیات خیلی عجیب این آیه است: سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۳ خیلی این آیه عجیبه هم یک تلنگریه برای ما، هم برای اثبات بحث خوبه، شاید بعضی ما نشنیدیم این جریان رو:«اعوذ باالله من شیطان الرجیم أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْیاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یشْكُرُونَ» - آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان هزاران نفر بودند که به بهانه بیماری طاعون از شرکت در میدان جنگ خودداری نمودند، خداوند به آن‌ها گفت بمیرید و به همان بیماری که آن را بهانه قرار داده بودند مُردند سپس خدا آن‌ها را زنده کرد .

جریان چیه؟ جریان خیلی عجیبه! عده‌ای که در قرآن اشاره می‌کند «و هم الوفٌ» هزاران نفر بودند... در منطقه‌ای شایع شد که طاعون آمده، این‌ها از ترس مرگ از این شهر فرار کردند، چون طاعون اون زمان، احتمال مرگ داشت. اینها به احتمال مرگ فرار کردند اما به کام مرگ افتادند، از احتمال خودشون رو کشیدند بیرون، به قطعیت و صد در صد گرفتار شدند: «فقال لهم الله موتوا» خدا به این‌ها گفت بمیرید و آنها مُردند « ثم احیاهم» سپس این‌ها رو زنده کرد. [خدا نکنه آدم بخواد توجیه کنه - گاهی وقت‌ها اگر بخواهد حرف خودش رو به کرسی بنشاند، به هر دری می‌زند تا توجیه کند] بعضی از این‌ها توجیه کردند.

میشه این توجیه رو شما هم بگید کمکم کنید، میشه این آیه رو یه جور دیگه هم فهمید؟ نمی‌خوام بگم تفسیر به راْی‌ها، احتمالات رو می‌گم، نترسید! آخه بعضی از اهل‌سنت آمدند این رو گفتند: نه خدا این جا می‌خواسته شوخی کنه مثلا‌ یا تاویل ببریم این آیه رو، یا نمی‌شه به ظاهر این آیه بسنده کرد. جالبه‌ها خودشون گاهی وقت‌ها چقدر ظاهر مدارند، اصلا تاویل رو قبول ندارند، یک بام و دو هوا همینه‌ها، اصلا نمی‌پذیرند تاویل را لذا خیلی از این‌ها قائل به جسمانیت خدا هستند. روی منبر جناب ابن تیمیه داشت سخنرانی می‌کرد، گفت: نگاه کنید آی مردم! خدا هر روز از آسمان‌ها میاد پایین! ببینید الان من میام پایین، بعد خودش پله‌های منبر رو می‌آمد پایین! می‌گفت: عین من خدا میاد پایین! بعد خدا شب‌ها دوباره برمی‌گردد به آسمانها، نگاه کنید عین من!

چون آیات قرآن بعضیاش همینه دیگه « وَ ما رَمَیتِ إذ رَمَیت- سوره انفال آیه ۱۷ » تیراندازی خدا! می‌گن: نگاه کن خدا جسمِ یا دست داره و استناد می­کنند به « یَدُ الله فَوقَ أیدِیهِم- فتح آیه ۱۰» جالبه بعضی جاها این مدلی تا این حد آمدند و راه تاویل رو بستند...

کی می‌تونه این آیه رو یک تاویل ببره؟ یعنی خلاف ظاهر آیه رو معنا کنه؟ ببینید « فَقالَ لَهُم اللهُ مُوتُوا ثُمَّ أحیاهُم» بمیرید بعد این‌ها رو زنده کرد « إنَّ اللهَ لَذو فَضلٍ عَلَی النّاسِ» خدا کمک می‌کند، بالاخره مهربانی می‌کند « وَلکِن أکثَرَ الناسِ لا یشکرون» البته‌ عده‌ای از اهل‌سنت مثلا جناب آقای قرطبی در تفسیر همین آیه، در الجامع لأحکام القرآنِ خودش این جوری مطرح کرده که: «آنها بیش از ده هزار نفر بودند، این گروه به سبب ترس از مرگ از دیار خود فرار کردند و گمان کردند زنده خواهند ماند، پس خداوند آن‌ها را در محلی که خیال می‌کردند در آن زنده می‌مانند، میراند، به نقل از مجله انتظار ج 19- خدامرادسلیمیان»

خود اهل‌سنت هم این قضیه رو مطرح کردند اما باز با همه این‌ها... گرچه بعضی از مفسرینی که نتوانستند وقوع چنین حادثه‌ای رو تحمل کنند، آن را تنها یک مثال شمردند ولی روشن است که این گونه تاویلات در برابر ظهور بلکه صراحت آیه در وقوع این مسأله قابل قبول نیست، نمیشه این تأویل رو پذیرفت. گیرم این آیه رو تاویل بردی، اون آیات دیگر رو چی؟ جریان عزیر پیغمبر رو هم تاویل می‌بری؟

پس ما این بحث رو ثابت کردیم که بحث رجعت از ضروریات مذهب است و اینی که رجعت ممکنه و محال نیست و اینی که انسان قبل از قیامت هم می‌تواند زنده بشود که از آیات روشن شد. و حتی یکی از این آیات تصریح دارد به جریان یک بازگشت گروهی، مِن کُلّ فِرقَةٍ فَوجاً از یک گروه یک عده‌ای (نه افراد، یک عده) یعنی معلوم می‌شود از هر گروه یک عده برمی‌گردند، همون آیه‌ای که مطرح کردیم...

یک روایت بگم که این روایت رو هم شیعه نقل کرده هم اهل‌سنت: روایت شباهتِ امت اسلام با بنی‌اسرائیله! در این روایت در کتب اهل‌سنت آمده مثل صحیح بخاری که: شما شبیه‌ترین امت‌ها به بنی‌اسرائیل هستید. پیغمبر خدا این روایت رو نقل کرده تا حدی که هر چه بر آنان گذشته است بر شما هم خواهد گذشت، چه جوری میشه از این روایت در بحث رجعت استفاده کرد؟

در جریان بنی‌اسرائیل رجعت اتفاق افتاده؛ زنده شدن مردگان مطرح شده است. فقط این رو به عنوان تکمیل بحث خدمت شما عرض کردم هم صحیح بخاری این رو دارد، هم صحیح مُسلم، هم سُنَن ابن‌ماجِه، هم مُسند احمد بن حنبل این رو دارد.

**دلیل و فلسفه رجعت:**

حالا یک سوال؟ این بحث فلسفه رجعت خیلی بحث دقیق و مهمیه، اما به چه دلیل عده‌ای رو دوباره زنده می‌کنه؟

می‌خوام از شما کمک بگیرم. چرا خدا این همه برنامه‌ریزی می‌کند تا عده‌ای برگردند؟ بگید؟

یکی از خواهران – هیـچ موقــع یادم نمیــره که دو ســـال پیش اینجا بحث فیـــش نویسی داشتیـــم – در فیــشش یک عنــوان زده بود: «همایش عظیم رجعت»، بعد گفتم درود و رحمت خدا بر شما! همایش عظیم. چه اسم قشنگی، حالا شما کمک کنید، چرا رجعت؟ چرا این همایش عظیم؟ آقا خدا که در قیامت این کار را انجام خواهد داد؛ قاتلین اهل بیت (علیهم السلام) در قیامت به سزای اعمال خود خواهند رسید، واقعا بحث فلسفه رجعت رو می‌خواهم خوب دقت کنید و گفتمان بشه، چون خیلی نکته لطیفی است و میشه روش خیلی مقالات نوشت:

**1- انگیزه‌ای قوی:** این رو می‌خواستم اشاره کنید. آخه خیلی قضیه مهمی قراره اتفاق بیفته ها، برای آنهایی که با تمامی وجود مست دولت کریمه هستند، آقا نگاه کن اگر برای ما درب رجعت رو ببندند، درسته بالاخره اگه اهل زمینه سازی برای دولت کریمه باشیم در برزخ و قیامت هم پاداش می‌بینیم ولی وقتی به ما بگن آقا خودت رو بساز که تو را بر‌گردانیم، اون موقع چه حالتی داری؟

خیلی عجیبه، بعضیا عجب استدلال‌هایی دارند! یک دانشجویی بهم گفت: بهش گفتند که «به جای اینکه پزشکی بخوانی، پاشو برو برای امام زمان یک کارای کن، اوضاع بهم ریخته و به زودی امام زمان خواهد آمد. تو حالا کِی کنکور بدی، بعد دانشگاه، بعد پزشک بشی...»

چقدر بد به ما گاهی اوقات مهدویت رو معرفی می‌کنند، اولا: آمدن امام رو کسی اطلاع نداره « کَذِبَ الوَقّاتُون، کتاب الغیبه للحجه» ثانیا: اینقدر مهدویت لطافت و ظرافت دارد؛ اگر این دانشجوی رشته پزشکی، بیاد کنکور بده و موفق بشه ترم اولش رو شروع کنه، واقعا به قصد یاری امام درس بخوانه، رشته به رشته حضرت نیاز به یاریِ من و تو داره، نگو حضرت نیازمنده؟ اون نیاز خاص « ان تَنصُرُاللهَ یَنصُرُکُم، سوره مبارکه محمد،آیه 7) » حضرت چشم امید به کمک من و تو داره، اصلا گیرم که این احتمال باشه که حضرت به زودی بیاد، این دلیل نمی‌شه که من دست رو دست بزارم که! ولو ترم اولم باشه و حضرت بیاد من به اندازه ترم اولم اینقدر قشنگ کار کردم؛ بیا به حضرت گزارش بده که یابن رسول‌الله! نگاه کن تا اینجا به خاطر یاری شما بکوب درس خواندم. به نظرت حضرت چه خواهد کرد با این دانشجو؟ « اذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ یَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ کَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُم (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 1، ص 25، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، 1407ق.) » قطعا یکی از کسانی که در اولویت حضرت خواهد گرفت که عقل او رو به کمال برساند همین دانشجوست، ما با این نگاه‌ها زنده‌ایم، هر موقع حضرت آمد « فَلا یَأتِیکُم الّا بَغتَةً‌(سوره اعراف آیه 187) » آماده‌ایم، هر موقع، بعدش گیرم نیامد حضرت اینقدر من انگیزه دارم که خودم رو قوی می‌کنم و خودم رو آماده می‌کنم که اگر مُردم بگم یابن الحسن دلت میاد نباشم؟ به شرط اینکه این رو با همه وجودم بهش بگم ها

**2-** « الّلهُمَّ إنّا نَرغَبُ اِلَیکَ فِی دُولَةٍ کَرِیمَة دعای افتتاح » این نرغب ترغیب من رو بیش‌تر خواهد کرد اگر بدانم امکان بازگشت هست، دلخوش به بازگشت هستم و **امید به درک دولت کریمه** دارم و نگران مرگ خویش نمی‌باشم و همین امر باعث تشدید مهدی یاوری آنها خواهد شد، خیلی قشنگه‌ها اگر واقعا من با این انگیزه باشم.

**3-** **عدل خدا:** عدل خداوند ایجاب می‌کند که قبل از برپایی قیامت دو گروهی که خیلی خوبند (خوبان محض) و یا خیلی بدند (کافران محض؛ همان کسانی که أسّس أساس ذلک؛ مسیر تاریخ را به سمت ناعدالتی تغییر دادند) رو در همین دنیا به سزای اعمالشان برساند، چرا عدل خدا این رو ایجاب می‌کند. عدل چه بود؟ وضع اندر موضِعَش. چرا از این نگاه من وارد شدم؟ چرا عدل خدا ایجاب می‌کند عده‌ای از خوبان رو در دنیا پاداش خوبی بده و عده‌ای از بدان رو در دنیا به سزای عملشون برساند؟ علتش اینه، اعمال آنها مربوط به همین دنیا بوده، به عبارتی دیگه: چون بستر عمل آنها همین دنیا بوده و باید در همین دنیا به گونه ای به دیگر مردم نمایان شود که باطل پابرجا نیست و در نهایت «و العاقبة للمتقین» خواهد بود و این هنگامی که با زنده شدن برخی مصادیق محقق می­شود اثر بیشتری خواهد داشت.

**4- تا مومنان از حکومت امام دل‌شاد و کافران دل­گیر شوند:** خیلی‌ها آرزوی این حکومت رو داشتند و این آرزو رو با خود بردند، خدا برخی از این‌ها رو بر‌می‌گرداند تا این‌ها در همین دنیا شاد بشن و خیلی‌ها بودند بغض و کینه داشتند، خدا برخی از اینها رو برمی‌گرداند تا در همین دنیا کور بشن دوباره، در همین دنیا دوباره به اون حقانیت اسلام برسن و متوجه بشن ان شاالله.

اما اینش مهمه:

**5- تقویت روانی یاران:** کار، کار ساده نیست؛ از آنجایی که قرار است حکومت عدل امام زمان(علیه السلام) الف- چکیده و عصاره همه‌ی انبیاء و اولیاء خداوند باشد؛ یعنی امام می‌خواهد زحمات همه انبیاء رو به نتیجه برساند. ب- و جهان شمول باشد به هرگونه تقویت روحی مسلمانان نیاز است، که رجعت و بازگشت بزرگان دین و عقوبت کافران می‌تواند بالاترین کمک برای این اهم باشند، نگاه کن تو رو خدا یکمی فکر کن، همین الان در جلسه ما، اگر مسئول جلسه اعلام کنه «مالک اشتر تشریف آوردند» چه حالتی داری؟ اصلا بی‌تاب می‌شی، تمام دغدغه‌هات از بین خواهد رفت. مالک آمده؟ حبیب‌بن‌مظاهر آمده؟ آخه قراره ما دنیا رو فتح کنیم.

من بارها گفتم این آیه خیلی آیه زیبائیه: آیت‌الکرسی «لاإکراهَ فِی الدِّینِ»، این آیه، آیه مهدویته «قَد تَبَیَّنَ الرُشدُ مِنَ الغَی» اون اوایل که اعتکاف راه افتاده بود ما قم بودیم، برخی از مساجد خیلی‌هم ترغیب نبودند، اما الان بیاید نگاه کنید چه غوغاییه!! حرم مطهر باید ثبت‌نام کنی، من گاهی می‌گم شاید در جریانات دولت کریمه‌ ها – اون نگاه بچه‌گانه رو می‌خوام مطرح کنم – در جریانات دولت کریمه برخی اونهایی که ایمانشون ضعیفه، اینقدر سیلِ گسترده به سمت این بیعت با امام زمان(علیه السلام) و دولت کریمه­اش میاد که به بعضا باید گفت: صبر کنید بابا، خیلی شلوغه، بزارید حالا... و این حجم یاری شاید بی­ارتباط با بازگشت برخی بزرگان نباشه؛ آره، اگر علی‌اکبر برگرده، جوانی که اسم او مسلمانه، مگر ممکنه به سمت یاری حضرت حرکت نکنه؟! مگر اینکه اسیر باشه که بعضی از ما باید از این اسارت‌ها بپرهیزیم!

(یک چیز رو داخل پرانتز بگم: من چه وقت در نمازم حال پیدا می‌کنم؟ زمانی که قبل از نماز با خدا باشم. نمیشه قبل از نماز بدون خدا باشم و بعد از نماز اینقدر به خودم فشار بیارم و بخوام نمازم الهی بشه! نماز آینه­ی بیرون نمازه... من چه زمان در ظهور با سرعت به سمت امام زمان(علیه السلام) حرکت می‌کنم؟ زمانی که در غیبت با امام زمان(علیه السلام) باشم. گاهی وقت‌ها باز با همه این‌ها یک عده اسیرند امیدواریم به تعبیر امام سجاد(علیه‌السلام) «وَ أسرَعِهِم اِلی حاجَتِهِم» بشیم؛ به سرعت و زودتر از همه)

خب قطعا یک سلسله گرفتاری‌ها و سختی‌هایی هم هست، روایاتی که میگه تا حکومت به تثبیت برسه، خیلی سختی‌ها رو باید متقبل و متحمل بشیم. این سختی‌ها نیاز به یک تقویت روانی بزرگ داره؛ این تقویت روانی با وجود حبیب‌بن‌مظاهر، اصلا یک چیز دیگه بگم با وجود حسین‌بن‌علی، ها؟ با وجود حسین‌بن‌علی(علیه‌السلام) چقدر آرام خواهیم گرفت؛ فوق‌العاده است... اصحاب کهف برمی‌گردند.

**6-** **عقوبت برخی ظالمین مقابل چشم مظلومین:** قیامت یک حالاتی هست که هر کس در یک جایی که قرار گرفت شاید متوجه عذاب دیگران نشه، خودش یک بحثیه که آیا بهشتیان جهنمیان رو می‌بینند یا نمی‌بینند؟ گفتمان‌هایی بین این‌ها صورت می‌گیرد «ما سَلَکَکُم فِی سَقَر؟(سوره مدثر)» چرا در جهنمی؟ «قالوا لَم نَکُ مِنَ المُصَلِّینَ وَ لَم نَکُ نُطعِمُ المِسکِین(سوره مدثر آیه 44)» این گفتمان‌ها هم هست، ولی اینجوری نیست که بهشتیان عذاب جهنمیان رو دائما مشاهده کنند، حالا مثلا به دلیل امنیت روانی که بهشتیان باید داشته باشند. خدا یه بستری رو قبلش در همین دنیا فراهم می‌کنه تا مظلومین عقوبتِ ظالمین رو ببینند.

**7- مقدمه و زمینه ای برای معاد:** رجعت زمینه‌ساز اعتقاد به معاد است و اعتقادِ مردم رو به قیامت کبری هموار می‌سازد. ما بالاخره باید به این باور برسیم‌ها، کیا از میان ما واقعا قیامت رو باور دارند؟ سخته یه مقداری که به این باور عمیق رسیده باشیم. گفت آقا موقع تشیع جنازه خواهشا صحبت نکن، فکر کن یه روزی خودت هم روی همین تخت رو دوش مردم حرکت خواهی کرد... میگفت: ای بابا کی گفته؟ من همه انسان‌ها رو تو اینتابوتفکر می­کنم الا خودم. *رجعت* یک تفکر رو در وجود من ایجاد خواهد کرد که من پخته تر بشوم. اصلا گویا جریانات مهدویت کلا بسترسازی کمال است؛ یعنی یک‌جوریه که هر بخشی از آن ما را به اوج برساند، همین‌ها، من با رجعت دیگه به اوج درک قیامت خواهم رسید، چقدر زیباست...

ان شاالله زنده باشیم به امید خدا امام زمان(علیه السلام) بیاد، بعد نگاه کنی ببینی که مسجد گوهرشاد حرم نوشتند نماز جماعت به امامت مالک‌اشتر، چی؟ به امامت مالک‌اشتر، جدی میگی؟ خب این نمازت چه‌جوری خواهد بود، بعد قیامت رو لمس می‌کنی، حس می‌کنی، مالک برگشته... شهید شده بود، حس می‌کنی، بعد می‌فهمی حق یعنی چی؟

چقدر قشنگه، تحقق رویاهای شیرین همانند بودن در رکاب پیغمبر و امامان(علیهم‌السلام)، مگه نمی‌گی که «یا اباعبدالله یا لَیتَ کُنتُ مَعَکَ فَأفُوزَ فُوزًا عَظِیما» (مفاتیح الجنان، زیارت اول امام حسین علیه السلام، ص 427)

**8- تحقق رؤیایِ شیرینِ هم­رکابی با حجت خدا:** اینکه این تحقق به سرانجام برسه؛ عمریه داری می‌گی یابن‌رسول‌الله ای کاش بودم کنارتو، خب بسم‌الله، حسین‌بن‌علی(علیه‌السلام) آمد، آخ جان، بدو بریم... لذا روایت داریم یکی از کسانی که رجعت خواهد کرد وجود با کرامت حضرت خاتم محمدبن‌عبدالله(صلی الله علیه و آله وسلم)، چه کیفی داره، نه؟

9- بحث آمدن امام زمان(علیه السلام) فرا دینِ اسلامه؛ فرا دین اسلامه یعنی حضرت قراره اون توحید رو به سرانجام برساند، زحمات کل انبیاء رو، به همین دلیل خیلی نکته­ی دقیقیه ها! به همین دلیل در جریان رجعت، رجعت رو قرار داد تا عده‌ای از نمایندگانِ ادیان پیشین هم باشند، از هر دینی یه بخشی در رجعت برمی‌گردند تا اتمام حجت بشه بر پیروان همه ادیان. در بعضی از روایات مشخصه، گیرم اسم افراد برده نشه، اما بالاخره با توجه به تواتر اجمالی میشه گفت که قطعا از هر دینی یه تعدادی میاد، چون خوبانِ خوب در یهود بوده، در مسیحیت بوده، در هر دینی بوده، چرا؟ مثل آمدن خود حضرت عیسی(علیه‌السلام) که حالا اون بحثِ رجعت نیست، بحث زنده بودن ایشان است که ما معتقدیم اصلا حضرت عیسی(علیه‌السلام) شهید نشد ولی همین نفسِ بودن حضرت عیسی(علیه‌السلام) خیلی از مسیحیت رو به سمت وجود نازنین حضرت خواهد آورد.

**رجعت در زیارت امام مهدی** (علیه‌السلام)

در چند زیارت‌ها از رجعت باز اشاره کنم «فجعَلنِی یا رَبِّ مِمَّن یَکِرُّ فِی رَجعَتِه وَ یُمَلِّکُ فِی دُولَتِه وَ یَتَمَکَّنُ فِی اَیّامِه» این در زیارت حضرت بقیةالله‌اعظم که سیدبن طاووس نقل کرده، این بحث رجعت اینجا آمده.

در فرازهای مختلف زیارت جامعه‌کبیره آمده، « مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لاَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ » زیارت جامعه کبیره، زیارت عیدین: هم فطر هم قربان، زیارت رجبیه، زیارت سوم شعبان، زیارت اربعین، زیارت قائمیه، زیارت پیامبر و حتی زیارت حضرت ابالفضل العباس(علیهم‌السلام) بحث رجعت مطرح شده، در دعای عهد، در دعای دحوالارض هم، در دعای نماز عید هم، در دعای روز تولد امام حسین(علیه‌السلام) هم بحث رجعت مطرح شده.

در دعای عهد که «اللّهُمَّ إن حالَ بَینِی وَ بَینَهُ المَوت» که گفتیم آورده.

**اما چه کسانی در رجعت برمی‌گردند؟**

این باز یه بحث خیلی دقیقی‌ست، خیلی مفصل هست، خیلی‌ها از علماء وقتی این بحث رو مطرح کردند آخرش گفتند والله العالم؛ خدا می‌داند.

یعنی کسی قاطعانه در رابطه با رجعت بخواد اظهار نظر کنه نیست، چه برسه به بنده و امثال بنده.

اما بعضی‌ها رو دیگه میشه از کثرت روایات خیلی به زیبایی فهمید: یکیش وجود نازنین حضرت اباعبدالله الحسین(علیه آلاف التهیة والثناء).  
روایت امام باقر(علیه‌السلام) هم هست: اولین کسی که باز می‌گردد وجود امام‌‌حسین(علیه‌السلام) است که حکومت طولانی خواهد داشت.

**بعد از حضرت حجت(علیه‌السلام) مگر قیامت نمی‌شود؟**

بعضی‌ها فرمودند 7 سال، بعضی‌ها فرمودند 70 سال، بعضی‌ها فرمودند 50 سال... چند سال حکومت خواهد کرد؟ بعضی‌ها گفتند که این 7 سال این دنیایی نیست؛ خیلی طولانیه، ولی ما می‌گیم حضرت در دنیا حکومت می‌کنند نه فرا دنیا، قیامت که نیست که همین دنیاست. جریان مهدویت کماله.

همین سوال رو از مرحوم شهید صدر در کتاب "تاریخ ما بعد ظهور" دارد، این کتاب رو حتما مطالعه کنید، به فارسی هم ترجمه شده. آنجا شهید صدر می‌فرمایند: بسیار بعید است. کسی که از آدم تا خاتم دنیا در انتظار او بوده، پیغمبران در انتظار او بودند، ائمه(علیهم‌السلام) در انتظار او بودند، که 7 سال حکومت کند؟ بعد مستند می‌کند به انتهای دعای سلامتی حضرت وَ تُمَتَّعَهُ فِیها طَوِیلا حکومت حضرت طولانی است ان شاالله، برداشتِ ه‌ ها.

بله، بعضی از ائمه(علیهم‌السلام) همان‌جوری که شما فرمودید مثلا علی‌بن‌ابی‌طالب(علیه‌السلام) داریم کرتین؛ یعنی دو مرتبه برمی‌گرده، یا کرّات؛ چندین مرتبه برمی‌گرده و آیا این‌ها حکومت دارند؟ بله حکومت دارند، بعد از امام زمان(علیه السلام) این‌ها هم حکومت خواهند کرد طبق برخی روایات.

بعد حالا باز یک سوالی مطرح میشه: اینی که شما میگید بعد از حکومت امام زمان(علیه السلام) حکومتی نخواهد بود و قیامت محقق می­شود چی؟ پس حکومت علی‌بن‌ابی‌طالب چی؟ حکومت امام صادق (علیهم‌السلام) مثلا اگر بود چی؟ پاسخش رو ایشون فرمودند: این‌ها هم در راستای حکومت امام زمان(علیه السلام) هست، «کُلُّهُم نُورٌ واحد» همه یکی اند.

**آیا جریان رجعت همزمان با ظهوره یا در زمان حکومته؟**

دو نظریه است: بخش قابل توجهی از روایات به هم­زمان بودنش با ظهور دلالت دارد، به گونه‌ای که شیخ مفید آن را از علامات ظهور نامیدند.

اما یک نظریه دیگه‌ای هم هست، جریان رجعت بعد از ظهوره، مثل این روایتی که گفتیم، حضرت فرمود: «ایّامُ الله ثَلاثَةٌ یَومُ القائِم، یَومُ الکَرَّه وَ یَومُ القِیامَه (امام باقر(علیه‌السلام) الخصال، ص 108، ح 75 » یعنی معلوم می‌شود که بعد از ظهور، رجعت اتفاق می‌افتد.

من یه سوال از شما بپرسم، گیرم دو تا روایات باشه یا دو مدل نظر باشه که همین‌جور هم هست، بعضی از نظرها مثل شیخ مفید(ره) که فرمودند که از علائم ظهوره در لحظه ظهور و آغاز قیام رجعت اتفاق می‌افتد، بعضی از روایات اون رو جداگانه مطرح کرده، خب وجه‌الجمعش چیه؟ میشه این رو که بعضی از بزرگان مطرح کردند حرف ایشون رو قائل شد، دوبار یا به عبارتی امکان اینکه رجعت در فواصل مختلف اتفاق بیفتند هست، آخه می‌دونید حتی اگر فلسفه‌های رجعت رو ما بررسی کنیم به ادله رجعت برسیم بحث پشتیبانی روانی یاران در هر دو بخش لازمه؛ هم در بخش قیام لازمه، هم در بخش تثبیت حکومت لازمه؛ لذا امکان داره در میانه ظهور هم (یعنی بعد از ظهور هم) این قضیه اتفاق بیفته، لذا ما در مورد با رجعت امیرالمومنین(علیه‌السلام) به کرات داریم.

**آیا همه حضرات معصومین(علیهم‌السلام) صد در صد به شهادت باید برسند؟**

بعضی‌ها فرمودند که ایشان به شهادت می­رسند، اما بعضی دیگر گفته اند حتما لازم نیست درباره ایشان شهادت را مطرح نمود، احتمال اینکه حضرت به مرگ طبیعی از دنیا بره هست.

چند تا شبهه مطرح شده در رابطه با رجعت: یکیش بحثی که احمد امین مصری مطرح کرده: او گفته که شیعیان بحث رجعت را از عبدالله‌ بن صباح یا یهود گرفته است. دو تا جواب داریم: 1- فرض که ما از یهودیت اصیل گرفتیم که، برخی از احکام ما و حتی اهل‌سنت مشابه با یهود است. چون اسلام آمد کامل کرد: الیَوم أکمَلتُ لَکُم دِینَکُم...(سوره مائده آیه 3) بحث کمال است، لذا می­بینیم اسلام نیامد تضادی باشد با ادیان پیشین! بلکه اتفاقا در جهت کمال و تکمیل آنها بود. 2- اعتقاد به رجعت به تبع روایاتی است که از اهل‌بیت(علیهم‌السلام) به ما رسیده است که متواتر است. حالا من نظر علامه مجلسی، نظر شیخ مفید، سید مرتضی اینا رو (احتمالا پاورش رو خدمت حاج‌آقا بدهم که اگر کسی خواست بتونه بگیره)، اصلا روایات خودمون هست ربطی به یهود ندارد. 3- آیات قرآن هم که این رو مطرح کردند.

حالا شما اهل‌سنت که به ما ایراد می‌گیرید، شما اول جواب همون آیه رو بده، شما غیر از اونیکه ما رجعت رو گفتیم معنا کن بعد حالا ما میایم حرف تو رو گوش می‌کنیم، گیرم از یهود باشه...

اشکال بعدی که برخی اهل سنت مطرح کرده اند این بوده که: اگر طرف بداند می‌خواد دوباره برگردد خب میگه من گناه می‌کنم بعد برمی­گردم و جبرانش خواهم کرد. آیا اگر بدانم برمی‌گردم، پُر رو شده و معصیت می‌کنم؟

دو تا جواب اینجا وجود دارد:

1- کی گفته رجعت اختیاری است؟! آیا میتونی شما ضمانت یا گارانتی کنی که برمی­گردی؟ گارانتی که نمی‌شه داد!

2- از شما می‌پرسم: اگر مُردیم، بعد دوباره به دنیا برگشتیم، آیا پرونده ما open است؟ خیلی جالبه، گفت بنده خدایی رو گفتن چرا نماز نمی‌خونی؟ گفت: «کار یک روز دو روز نیست که...» حالا کل زحمات رو اینجا بکشم بعد برم تا موقع رجعت در stand by بمونم...

خیلی بحث‌های فوق‌العاده‌ای، پاسخش رو بگم؟ نه نمی‌گم، روی این باید کار بشه و زحمت بکشید و سوالاتی است که همیشه در ذهن ماندگاره و مطرح میشه، اینم جوابشه که مثلا همون که: اولا اختیاری نیست، دوما کی‌ گفته هر کی برگرده دیگه (اگر اینجا گناه کنه و اگر توفیق پیدا کنه که دوباره باز برگرده) بتونه توبه کنه؟ مگه میشه؟! مگه امکانش هست؟

خب موفق و موید باشید، ببخشید اگر نتوانستم اون‌جوری که باید بحث رو ارائه کنم، عذرخواهم.

جهت خشنودی قلب نازنین حضرت صلوات

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

حجة الاسلام و المسلمین حسینی

موضوع : رجعت

تاریخ : پاییز 95 هجری شمسی